

تاریخ چگونه نگارش یابد

و مورخ کامل کیست؟

مترجم: جناب استاد قاری عبدالله خان
(ملك الشعرا)

از دکتر عبدالکریم کرمانوس
اقتباس و ترجمه از مجله الهلال

مستشرق شهیر دکتر عبدالکریم کرمانوس مجارستانی اکنون مقیم مصر و استاد تاریخ بجمعه بود ایست، عالمی است جلیل مشارالیه در بود ایست و وینا (بای نخت اطریش) و ازالهان و انگلستان تعلیم فرا گرفت و در دکتری و زبان ترکی سند دکتری حاصل کرد و بر علاوه زبان لاتین سه زبان شرقی و پنج زبان اروپائی را خوب میداند. چند کتاب در تاریخ ادبیات ترک و اثر انراک در تاریخ اسلام نوشته و کتابی در حرکات جدید در اسلام و کتاب تاریخ صنایع ترک در قرن هفده نیز از مؤلفات اوست و در اثر همین تالیف مؤخر الذکر سند دکتری و مبلغ صدیوند طلائی جائزه گرفت و بسیاری از ادبیات ترک را بزبان مجارستانی ترجمه نمود و اکنون عمرش نزدیک به پنجاه رسیده. این مستشرق شهیر از خورد سالی محبت شرق را در دل می پروراند و شغفی تمام بدان داشت و به همین واسطه زبان فارسی و ترکی را درس گرفت و عربیت را در چارونیم سال تحصیل کرد. قرآن کریم و تفسیر طبری و جزئی از بیضاوی و عده از کتب حدیث و ادب و تاریخ را هم قرائت نمود و بیشتر از سی بار بترکیه سفر کرد و در محاربه عمومی با ترک اشتراک ورزید و در هند نیز سه سال سیاحت کرد و در اثنای این سیاحت در دبستانی که شاعر نامور هند «را بندرانات تاگور» تاسیس کرده مشغول درس گردید و در جامع دهلی بشرف اسلام رسید و تدبیر خود را بدیانت

اسلامی ظاهر نمود و نام خود را عبدالکریم گذاشت. اخیراً بشوق سفر مصر افتاد و در مصر بجماع ازهر پیوست و امسال شوق زیارت حج دارد و مائل است که درین فرصت بعضی بلاد دیگر از جزیره عرب را هم سیاحت نماید. اخیراً ملاقاتی با وی دست داد و در ضمن صحبت موضوع تاریخ مورد بحث قرار گرفت:

تاریخ نوشتن

گفتم شما که چند کتاب تاریخ نوشته اید مسلک آن در نگارش آنها چه بوده؟ گفت: در تاریخ نوشتن مقارنه و موازنه بین مصادر تاریخی بوجود مختلفه لازمست و نشاید مؤرخ از موازنه در بین مصادر تاریخی صرف نظر نماید. زیرا مصادر تاریخی آثار انسانی است و هر انسانی تحت مؤثراتی چند بوده. هیچکس نیست که خالی از تاثیرات باشد و چون مؤرخ هم انسان است مانند سایر انسانها بمؤثرات محیط و ظروف اجتماعی و سیاسی تأثیر پذیر میگردد. مثلاً قدمای مؤرخین از دستة رهبان را تحت مطالعه میگیریم راهبها که حیات شان محدود بود چنانکه به عزلت و ریاضت و تأمل پسر می بردند و قتیکه شجاعت و اقدامات عرب را در قرون وسطی دیدند دهشت خورده در وصف حال آنها مبالغه بخرج دادند و آنها را وحشی گفتند.

وازمین قبیل است عاطفه سیاست که مؤرخ تأثیر پذیر از یک حزبیة حزبش را می ستاید حال آنکه مؤرخ دیگر که تحت اثر حزب دیگر بوده حزب او را نکوهش نموده و بتقصیر متهم می سازد.

ازینجاست که هر گاه مؤرخ صدسال بعد خواهد تاریخی از نهضت مصر بنویسد باید جمیع مصادر را موازنه نمود و تأثیراتی را که هر مصدر حزبی

یاغیر حزبی ازان تأثر پذیر میگردد تقدیر و تخمین کرد تا حقایق تاریخی از میان همه استخراج و خلاصه گردد.

بعضی از مصادر تاریخی از ذکر فنون موجوده در قرون مختلفه ساکت و سامت است اما این سکوت او دلیل بر نابودن فن در آن قرن نمی شود بلکه مورخ بی اعتنائی نموده و قرنی را که تاریخش نوشته از فن موجود در آن قرن نام نبرده و ازینجهت بعبار و قیمت قرن مذکور هم پرداختی نبرموده.

امراء القیس (شاعر جاهلیت) بقسطنطنیه سفر کرده و بدختر قیصر عشق ورزیده اما در اشعاریکه روایت عرب از او روایت میکنند چیزی ازین سفر و عشق او یافت نمی شود مگر دلیل بر عدم واقعه نمیگردد که گوئیم شاعر مذکور در آن بلاد رفته و بادختر قیصر عشق نورزیده چه این واقعه را مؤرخین یونان روایت میکنند. بلکه دلیل است بر مسامحه روایت عرب از اشعار او راجع باین سفر که در نتیجه حکایت این سفر و حکایت این معاشقه هر دو ازین رفته.

لذا بر مؤرخ لازم است که مصادر اولی منفعلی از تاثیرات متعدده را با هم موازنه نموده این تاثیرات را مقایسه کند و بالاخره بدون فکر و تدبر و موازنه هیچ روایتی را نگیرد.

مورخ کامل

گفتم بنظر شما مؤرخ کامل کیست؟

گفت: - تاریخ آئینه قدنمای حیات است تمام بهجت و اندوه، محاسن و مساوی زندگی در آن جلوه میکنند. مؤرخ کامل هم شخصی است که حاذق و درحذاقت عمیق باشد، در مصادر تاریخی چنانکه گفتیم مقارنه نماید و بالاخره دارای استعدادی

باشد که حوادث مختلفه را بصورت طبیعی تصویر کشد و بی تکلف قلم توانای او خواننده را بچنیده و گریه بیاورد مناظر حیات را خالی از اغراض و منفعت قرین بفهم سازد . بکمان من «ژیسون» مؤلف تاریخ سقوط امپراطوری روم با لاترین مثالی از بهر مؤرخین می شود مشارالیه بعمیده من بر «وانز» مؤرخ فرانسوی و «ماکولی» انگلیسی و «رانکه» المانی تفوق دارد . از مطالعه کتاب مذکور شخص خود را در همان عصر مییابد و گویا صور وقایع را خود مشاهده میکند . حس بیان و سبک او مطالع را مجذوب خود می سازد . بر مؤرخ کامل لازم است تمثیل حقائق تاریخی را با سبکی نزدیک بفهم حقائق جمع نموده حوادث را زنده سازد . سرگذشت را با نقلی صحیح و مؤثر نقل نماید اما اینگونه نگارش تنها مؤرخانی میتوانند که در حیات تجربی به ها کرده و نیرنگهای مختلفه بوقلمون آرا دیده و جز او دیگری را میسر نیست چنانکه گوته میگوید :

هر که بر خت خواب خود تمام شب بیدار نشست . هر که از قدم بهجت خیز
بهار فرحت نیافت بدرک فنون نرسد و نمیتواند حوادث تاریخی را با جمیع ناحیه
آن از عبرت و موعظه ، حزن و سرور تصویر کشد .

رسال جامع علوم انسانی
بهترین مؤرخ عرب

گفتم : - در مؤرخین عرب فاضل کیست ؟

گفت : - از کتب تاریخی که بنظر رسید از همه افضل «ابن خلدون» است
چون سبک او سبک قرن بیستم و بزرگترین مفکری در مؤرخین شرق میباشد و او
در قرن چهارده که اروپا سرتاسر در ظلمت جهل فرو رفته بود و هیچ نمیدانست
ابن سبک را ایجاد نمود و چون تولدش در قرن چهارده اتفاق افتاد پیوسته در این
قرن بشباب و جدت بوده ابنای زمان از او تعظیم فرامیگرفتند .

گذشته از ابن خلدون «بیرونی» که در قرن یازدهم از میلاد می زیسته هم مقام بلندی در تاریخ دارد. مشارالیه از هند (۱) بوده و تا حال نظیرش از آن سرزمین برنخاسته، حیات، عادات و مذاهب اهل هند را چنان بوصف تمام رسم می نماید که محل بسیار استعجابست. هر گاه تمام کتبی که اروپائیهاراجع بهند نوشته اند ازین برود و تنها «بیرونی» بماند در تاریخ هند کفایت می نماید و مصدر خوبی از برای ما میگردد.

سبحان الله با آنکه بیرونی دیانت هند نداشته بلکه مسلمانانی بوده از قرن یازدهم تاریخ خود را باروحی منزله از تعصب و مخالفت جنسی نوشته. کوئی مترصدی بر فراز تلی بلند نشسته محض بنظر عامی نگاه و با سبکی بر از منطق و تقدیر و انصاف نگارش میدهد.

تمدن عربی

گفتم: به رأی شما تمدن قدیم عرب چگونه بوده و مقارنه اش با تمدن عصر حاضر ممکن است یا خیر:

گفت: - اگر تمدن قدیم عرب را با تمدن اسلامی گوئیم بهتر است از آنکه تمدن عربی خوانیم. زیرا عرب پیش از ظهور اسلام بجاهلیت اول خویش گرفتار بود ولی طلوع نیر اسلام در شبه جزیره و دامنه فتوحات آن؛ تمدن جدیدی را اساس نهاد و بقول یونان از چند مدینیت اقتباس یافت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و علی آله و سلم فرموده: اطلبوا العلم ولو کان بالصین - عرب از یونان، فرس، هند و مصر تمدن مادی فرا گرفت و از علوم و فنون و عادات هر یک بهره اخذ نمود و از مجموع اینها تمدن درخشانی روی کار آورد. اما اخیراً ضعف ممالک اسلامی

(۱) بیرونی از قریه از خوارزم بوده که آنرا بیرون می گفتند.

از حیث ضعف سیاست سبب آن گردید . اگر این ضعف سیاسی نبود مسلمانها لوای
تطور جدید را در قرن شانزده بر افراشته بودند و عهد احیا و نهضت جدید
در اروپا هم بدست مسلمانها افتتاح پذیرفت نه بدست اروپائینها .

جوهر و اساس تمدن عرب در عهد خلفای عباسی با تمدن جدید اروپا
از حیث ظروف ابدأ اختلافی نداشت زیرا اساس هر دو تمدن با هم شبیه میباشد
اگر عنصر مادی بر تمدن اروپا غلبه دارد این عنصر از همان اساسی
است که تمدن عربی هم روی آن قیام گرفت : کیمیا در عرب علم نظری نبوده
بلکه عملی بوده در کیمیای عملی کتب عربی بسیاری بوده . که اروپائینها اخذ
کرده اند حتی نامهای بسیاری را مانند الکل ، اکسیر ، ذر و عقاقیر را هم از عرب
فرا گرفتند شیشه عدسی را عرب اختراع نمود . بغداد بازار مخصوصی برای
ادویه داشت . و بالاخره چنانکه گفتیم تمدن عربی در عهد خلفای بنی عباس
با تمدن عصر حاضر در جوهر اختلافی نداشت . بلکه ملل مغرب زمین در بنای
تمدن خود از مسلك عرب پیروی نموده اند .

بهبترین عصر برای درست فرنگی

گفتم : - درس تاریخ از کدام عصر بهتر است ؟
گفت : - قرون باعتبار درس تاریخ همه مساوی بوده هیچ قرنی بر قرن دیگر
مزیت و برتری ندارد اما بجهت مصلحت قومی درس یکقرن پیش از ما از همه
مقدم و بهتر است زیرا علاقه و رابطه درین قرن ما و یکقرن پیش از ما قریب تر
و محکمتر میباشد چه وظیفه تاریخ آنست که اندرز و نجار بنی بما بیاموزد تا در حیات
خود نفعی از آن برداریم پس تاریخ پدران قریب تر بما از ضروریات اولی است
و باید پیش از هر دروسی آنرا تعلیم گیریم تا آنان را بما از نواحی متعدده حیات

روابط محکمی بخشد. فائده این درسه‌ها هم مقارنه باشد در بین قرن سابق و قرن حال و از خود سوال نمائیم که در حیات ما و حیات پدرهای ما چه فرقی واقع بوده و ما قدم فراتر گذاشته ایم یا از آنان عقب مانده ایم از تجربه های شان بهره گرفته ایم یا خیر؟ مثلاً امروز که در مصر بین حزب قدیم و حزب جدید مخالفتی موجود است باید محاکمه نموده به بینیم که پیوستن ما بکدام حزب ضرور مینماید. پس نخستین باید در بین ماضی و حاضر مقارنه ازان و بعد تطور قرون سابقه مصر را باییش قدمی عام و کنونی تمام عالم موازنه کرد تا حیات و آثار قدیم موروثی خود را با تقدم کنونی عام تناسبی یافته باشیم. را دیو، تیلیفون طیاره، مشرق زمین در آمد ذوق جدید ذوق قدیم را بنای خفه کردن گذاشت ترك اینها هم ممکن نیست. اما نزاع لفظی بین حزب قدیم و حزب جدید هیچ فائده ندارد. زیرا حکم بدست هیچ يك ازین دو حزب نبوده بلکه بدست همین تقدم مادی است که سیل عالم گیر او اکنون هر چیزی را از پیش روی خود بر میدارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

با مردم یا کباز و عاقل آمیز
از نا اهلان هزار فرسنگ گریز
گرنیش دهد ترا خردمند بنوش
ورنوش رسد زدست نا اهل بریز
(خیام)